

بیانیه سازمان آزادی زن

درباره نقش و موقعیت جنبش آزادی زن در ایران

ستون اول،



سیاوش دانشور

حکومت ضد زن نمیخواهیم!

نظام آپارتاید جنسی، نظم اسلامی ضد زن، نظام بانی فقر و اختناق بار دیگر در آستانه "انتخابات" قرار گرفته است. اما این "انتخابات" نیست، مضحکه است. نمایش بند و بست باندهای اسلامی است. در نظامی که احزاب سیاسی ممنوع اند، تشکل و اعتصاب "حرام" است، زن بودن جرم است، از نظر قانون اسلام و حکومتش زن برده محسوب میشود، رابطه آزاد و داوطلبانه جنسی بزرگسالان با سنگسار جواب میگیرد، و تنها اوباش اسلامی و قاتلین میتوانند "رئیس جمهور" شوند، "انتخابات" بی معنی و توهین به هر حق انتخاب و حق رای واقعی است.

در این نمایش که تنها مجرای مشروعیت دادن به حاکمیت جنایتکاران است نباید شرکت کرد. حتی آنجا که ملاحظات عملی و اقتصادی و امنیتی و یا محاسبات پراگماتیستی موجب میشود عده ای علیرغم میل شان در این نمایش شرکت کنند، نهایتاً رای شان مجرای مشروعیت دادن به نظام اسلامی میشود. کارناوال جنایتکاران اسلامی را باید توی سرشان کوبید.

فراخوان ما به مردم آزادیخواه، به زنان و مردان برابری طلب اینست که در نمایش "انتخابات" اسلامی شرکت نکنند اما فعالانه در "فضای انتخاباتی" علیه کل جمهوری اسلامی بمیدان بیایند. علیه زن ستیزی، علیه آپارتاید جنسی، علیه فقر و گرانی، علیه سرکوب سیاسی و علیه بیحقوقی بمیدان بیایند. فریاد زنید حکومت فقر و گرانی نمیخواهیم! حکومت ضد زن نمیخواهیم! آپارتاید جنسی نمیخواهیم! حجاب نمیخواهیم! رژیم ضد زن نمیخواهیم! انتخاب ما سرنگونی جمهوری اسلامی است! *

سکولاریسم و حقوق زن آیا سکولاریسم کافی است؟



صفحه 4

آذر ماجدی

مضحکه انتخاباتی

را بر سرشان خراب کنیم!



صفحه 8

مریم افراسیاب پور

فاجعه پشت فاجعه

از بنگلادش تا کامبوج



صفحه 7

نوشین قادری

حقوق زن و اسلام سیاسی از آذر ماجدی

به زبان انگلیسی برای دومین بار منتشر شد!

آزادی زن معیار آزادی هر جامعه است!



درباره نقش و موقعیت جنبش آزادی زن در ایران

سنتیز، ضد مدرنیست، شرق زده، گذشته پرست و اسلام زده حاکم بر بخش اعظم جامعه هنری، روشنفکری و چپ ضد آمریکایی که محیط اولیه اعتراض جوانان و دانشجویان را شکل می داد، نه تنها بروز خواست آزادی زن را سد می کرد، بلکه حتی عملاً زنان را تسلیم جنبش اسلامی نمود. علیرغم شرکت فعال و وسیع زنان در جنبش انقلابی ضد رژیم سلطنت، بدلیل این شرایط، زنان عموماً داوطلبانه حجاب را بعنوان یک سمبل وحدت طلبی بر سر کردند و این حرکت ارتجاعی بعنوان یک فداکاری "انقلابی" تقدیس شد. عملاً بر زمینه چنین شرایطی بود که دولتهای غربی موفق شدند از طریق مانیپولاسیون سیاسی، خمینی و جنبش اسلامی را بر جنبش انقلابی مردم تحمیل کنند.

اکنون شرایط کاملاً متفاوت است. بیش از یک دهه است که جنبش آزادی زن وسیعاً در جامعه فعال است و بطور روزافزونی گسترده تر و توده ای تر می شود. نفوذ و گستردگی جنبش آزادی زن عملاً موجد شرایطی است که موقعیت دوفاکتوری زنان با موقعیت حقوقی و رسمی آنها در تناقض آشکار است. لذا مسأله زن به یک معضل لاینحل و اساسی رژیم اسلامی و اپوزیسیون ملی اسلامی بدل شده است. از همان روز اول اسلامیت ها و در راس آن خمینی مجبور شدند زنان را بعنوان یک نیروی مهم مخالف جدی بگیرند. از همان ابتدا برای رژیم اسلامی سرکوب زنان، یک رکن اساسی سرکوب انقلاب ۵۷ محسوب می شد. دو قطبی رژیم اسلامی و آزادی زن برای مردم ایران و تمام کسانی که وقایع ایران را دنبال میکنند، یک معادله تعیین کننده است. آزادی زن و برابری زن و مرد در صدر خواستهای جنبش آزادیخواهانه مردم علیه رژیم اسلامی است.

اولین رویارویی حکومت اسلامی با زنان با فرمان حجاب خمینی آغاز شد. اولین اعتراض توده ای و رادیکال علیه رژیم اسلامی توسط زنان معترض به حجاب اسلامی در ۸ مارس ۱۳۵۷ شکل گرفت و بمدت یک هفته بطول انجامید که در نتیجه آن رژیم اسلامی و خمینی ناگزیر به عقب نشینی شدند. حجاب اسلامی نه تنها سمبل بردگی و بیحقوقی زن، بلکه یک ابزار مهم به انقیاد کشیدن زنان است. بعلاوه، حجاب به بیرق جنبش ارتجاعی و ضد زن اسلام سیاسی بدل شده است. اسلامیت ها هر کجا که قدرت گرفته اند بر سر زنان و جامعه حجاب کشیده اند. آپارتاید جنسی یک نظام بسیار عقب مانده و تبعیض گرا است. الغای آپارتاید جنسی باید در راس مطالبات هر انسان آزادیخواه و انسان دوست قرار گیرد. دنیای آزادیخواه و متمدن یک بار آپارتاید نژادی را به زانو درآورد، اکنون زمان آن رسیده است که آپارتاید جنسی را نیز سرنگون کند. این رسالت بعهدہ جنبش آزادی

جنبش آزادی زن یکی از مهمترین جنبش های اجتماعی جامعه ایران است که بنا به ماهیت زن سنتیز جمهوری اسلامی مستقیماً ضد رژیم اسلامی حاکم است. قدرتگیری رژیم اسلامی با اعتراض توده ای زنان همزمان شد و طی سی و چند سال گذشته مقاومت و اعتراض زنان چه فردی و چه جمعی، چه در شکل تدافعی و چه تعرضی ادامه یافته است. این جنبش نه میخواهد و نه میتواند با این رژیم و ایدئولوژی و کارکرد زن سنتیز آن سر سازش و آشتی داشته باشد. سی سال سرکوب و بیحقوقی، سی سال تحمیل یک نظام آپارتاید جنسی و حجاب اسلامی، سی سال مقاومت و کشمکش دائم میان جنبش آزادی زن و رژیم اسلامی، به این جنبش جایگاه ویژه ای در جامعه ایران داده است. مبارزه برای آزادی زن یکی از سنگرهای مهم مبارزه علیه رژیم اسلامی است. جنبش آزادی زن و رژیم اسلامی به هیچ وجه با هم سازگاری ندارند.

مسأله زن یکی از مطرحترین مسائل اجتماعی جامعه ایران و امر برابری زن و مرد یک گرایش قدرتمند اجتماعی است. جنبش های اجتماعی ضد حکومت در جامعه بسیار فعال هستند. جنبش آزادی زن یکی از فعالترین آنها است و به عنوان یک جنبش اجتماعی قائم به ذات، معطوف به تحقق برابری کامل زن و مرد در جامعه ایران است. جنبش آزادی زن با دو جنبش خلاصی فرهنگی نسل جوان و جنبش سکولاریستی علیه حکومت اسلامی پیوند تنگاتنگی دارد. جنبش خلاصی فرهنگی یک جنبش مدرن، ضد شرق زدگی و ضد اسلامی است که بر مبنای تضاد عمیق نسل جوان با رژیم اسلامی شکل گرفته است؛ این جنبش قوی، فعال و همیشه در حال جنگ سنگر به سنگر با رژیم اسلامی است. جنبش سکولاریستی و ضد مذهب یک جنبش روشنگرانه سیاسی - فرهنگی اجتماعی مهم دیگر در ایران است. این سه جنبش در پیوندی تنگاتنگ با یکدیگر مطالبات ضدیت با حجاب اسلامی و خواست حقوقی لغو حجاب اجباری، انحلال آپارتاید جنسی، آزادی جنسی، جدایی مذهب از دولت و حاشیه ای شدن کامل مذهب در جامعه را در صدر اهداف خود قرار داده اند.

این شرایط به مبارزه مردم ایران برای سرنگونی رنگ و بویی متفاوت می بخشد. حضور فعال و وسیع زنان و جنبش آزادی زن در صحنه اعتراض توده ای علیه رژیم اسلامی به این مبارزه یک خصلت عمیقاً ضد مردسالارانه و "زنانه" میدهد. این تفاوت در مقایسه با جنبش انقلابی مردم علیه رژیم سلطنت آشکار می شود. در سال ۵۷-۱۳۵۶ اولاً، جنبش حقوق زن تازه در حال شکل گیری بود؛ ثانیاً، سنت منحن عقب مانده، زن

بیانیه سازمان آزادی زن

درباره نقش و موقعیت جنبش آزادی زن در ایران ...

چه بیشتر جنبش اسلامیستی در منطقه شده است. اما مشخصاً در دو کشور مصر و تونس جنبش انقلابی و آزادیخواهانه مردم، با نقش فعال و موثر زنان و جنبش حقوق زن علیه جنبش اسلامی بپا خاسته است. تاریخ بقدرت رسیدن اسلامیت‌ها در ایران و رویدادهای پس از آن در شکل‌گیری جنبش ضد اسلامی در منطقه نقش بسیار مهمی داشته است. سرنگونی انقلابی رژیم اسلامی در ایران و پیروزی جنبش آزادی زن نه تنها موقعیت زنان در ایران را زیر و رو خواهد کرد، بلکه بر موقعیت جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی در منطقه و بویژه بر موقعیت زنان تأثیراتی بسیار عمیق و گسترده خواهد داشت. بعلاوه، پیروزی جنبش آزادی زن علیه رژیم اسلامی در ایران را می‌توان با یک لحظه تاریخی مهم، انقلاب ۱۷۸۹ فرانسه، مشابه قرار داد. پیروزی این جنبش علیه رژیم اسلامی همان تأثیری را بر اسلام و جنبش اسلامی خواهد داشت که انقلاب کبیر فرانسه بر کلیسا و مسیحیت داشت.

جنبش آزادی زن یک جنبش قائم بذات آزادیخواه و برابری طلب است. پیروزی جنبش آزادی زن در گرو تشکیل یابی حول خواست آزادی و برابری است و امحای ستمکشی زن و دستیابی به آزادی و برابری بی قید و شرط و کامل فقط در یک جامعه آزاد، برابر و مرفه، جامعه ای عاری از طبقات و استثمار و ستم طبقاتی، جامعه سوسیالیستی، امکانپذیر است. سازمان آزادی زن فعالین رادیکال، آزادیخواه و انقلابی جنبش آزادی زن را فرا می‌خواند تا به سازمان آزادی زن بپیوندند، تا دست در دست هم برای آزادی زن و برابری زن و مرد و خلاصی از رژیم زن ستیز اسلامی مبارزه کنیم.*

18 مه 2013

پیروزی جنبش آزادی زن در گرو تشکیل یابی حول خواست آزادی و برابری است و امحای ستمکشی زن و دستیابی به آزادی و برابری بی قید و شرط و کامل فقط در یک جامعه آزاد، برابر و مرفه، جامعه ای عاری از طبقات و استثمار و ستم طبقاتی، جامعه سوسیالیستی، امکانپذیر است.

لازم موفقیت جنبش آزادی زن و جنبش مردم برای سرنگونی انقلابی رژیم اسلامی است. باید بکوشیم تا سازمان آزادی زن وسیعاً در جنبش آزادی زن توده ای شود و فعالین و سخنگویان رادیکال و آزادیخواه این جنبش به سازمان آزادی زن بپیوندند.

تقابل جنبش آزادی زن و اسلام سیاسی یک مساله منطقه ای است. نقش جنبش آزادی زن در منطقه اسلام زده، خاورمیانه و شمال آفریقا انکار ناپذیر است. قدرت یابی اسلام سیاسی در منطقه طی سی سال اخیر و بویژه در دهه اخیر، موقعیت زنان را در کل خاورمیانه و آفریقای شمالی بسیار به عقب کشانده است. سنت های اسلامی بسیار تقویت شده اند. در جوامعی که اسلامیت ها قدرت یافته اند، حجاب اسلامی به زنان تحمیل شده است. آپارتاید جنسی در بسیاری از کشورهای منطقه تحکیم و تقویت شده است. در متن چنین شرایطی خیزش های توده ای علیه حکومت های حاکم طی دو سال اخیر در منطقه شکل گرفته است. در نتیجه شرایط سیاسی متلاطم و سرنگونی سران ۴ حکومت منطقه، اسلامیت ها به جلوی صحنه آمده اند. دخالت و مانیپولاسیون سیاسی و کمک های مالی و نظامی دولتهای ارتجاعی منطقه، ترکیه، جامعه عرب، عربستان سعودی و قطر و نیز دولتهای غربی بسرکردگی آمریکا موجب تقویت هر

زن و مردم آزادیخواه ایران است. جنبش آزادی زن از بدو بقدرت رسیدن رژیم اسلامی مبارزه علیه این دو رکن اساسی سیاسی-ایدئولوژیک رژیم اسلامی را آغاز کرد.

برقراری یک نظام سکولار که بمعنای لغو تمام قوانین مذهبی، جدایی مذهب از دولت، آموزش و پرورش و هویت فردی است، یک پیش شرط سیاسی دستیابی به جامعه ای آزاد و برابر است. بعلاوه، مبارزه فعال با خرافات و سنن مذهبی و حاشیه ای کردن مذهب، یکی دیگر از اقدامات مهم جنبش آزادیخواه و برابری طلب است. گسترش و توده ای شدن خواست سکولاریسم در جامعه، بخشی از اصلاح طلبان حکومتی را نیز به موضع تظاهر به دفاع از سکولاریسم سوق داده است. این جریان مرتجع تحت فشار مردم و جنبش های اجتماعی آزادی زن، خلاصی فرهنگی و ضد مذهبی مجبور به پذیرش یک فرم رفیق شده از سکولاریسم شده است تا بدین وسیله مانع رفت و روب کامل اسلام از جامعه گردد.

در شرایط حاضر بعلت وجود اختناق وسیع، سازمان های آزادیخواه و رادیکال زنان امکان فعالیت علنی در ایران ندارند. تنها زنان اصلاح طلب ملی - اسلامی از امکان یک فعالیت نسبی برخوردارند. با استفاده از این شرایط، رسانه های بین المللی این گرایش را بعنوان سخنگوی جنبش حقوق زن معرفی می کنند. باید این شرایط را تغییر داد. به درجه ای که تغییر توازن قوا امکان فعالیت را برای سازمان های رادیکال و آزادیخواه زنان امکان پذیر کند، موقعیت جنبش آزادی زن تغییر خواهد کرد. باید بکوشیم تا رهبری جریانان آزادیخواه، برابری طلب و ماکزیمالیست را بر جنبش حقوق زن تامین کنیم. این یکی از شروط

برابری کامل حقوق و موقعیت قانونی زن و مرد در خانواده!



سکولاریسم و حقوق زن

آیا سکولاریسم کافی است؟

آذر ماجدی

لذا تفکیک گرایشات چپ و راست درون جنبش سکولار برای افراد و جریانات رادیکال آزادیخواه و برابری طلب امری بسیار مهم است و در شرایط حاضر با خیزش توده ای در خاورمیانه و آفریقای شمالی مبرم تر شده است. جنبش سکولار چپ، یعنی جنبشی که نه تنها از یک سکولاریسم رادیکال، یعنی جدایی کامل مذهب از دولت، از قوانین و آموزش و پرورش دفاع می کند، بلکه همچنین در مقابل آنچه ما از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ دو قطب تروریسم نام نهادیم، می ایستد. یعنی تروریسم دولتی بسرکردگی آمریکا و تروریسم اسلامی، اما بهیچوجه به آن محدود نمی شود.

طی دو سال گذشته ما شاهد واکنش این دو گرایش به رویدادهای خاورمیانه بوده ایم. گرایش راست، تحت پوشش مقابله با خطر اسلامیت ها و نگرانی از باصطلاح حقوق زن، خجولانه از وضعیت موجود دفاع کرده است. در یک کنفرانس آنلاین شرکت داشتیم تحت عنوان: «اعتراضات در کشورهای عربی و حقوق زن» برخی از شرکت کنندگان تنها نگران سرنگونی مبارک و بن علی بودند. و بعد از آن دیدیم که همین گرایش از دخالت ناتو در جنگ زمینی علیه قذافی و بنفج شورای موقت لیبی دفاع کرد و زمانیکه حکومت تازه بقدرت رسیده اعلام کرد که قوانین شریعه در لیبی حاکم خواهد شد، اینها ادعا کردند که این شورا ناتو را فریب داده است!

مذهب و سازمانهای مذهبی منبع سیاست ارتجاعی اند. این حقیقت است. اما فقط نیمی از حقیقت است. مذهب یک بخش لاینفک از ایدئولوژی

سکولاریسم یک شرط سیاسی مهم برای دستیابی به یک جامعه آزاد و برابر و امحای ستمکشی زن است. در جامعه ایران جنبش سکولاریسم وسیع و گسترده است. از همین رو است که جنبش ملی - اسلامی و اصلاح طلبان حکومتی بالاجبار به دفاع از سکولاریسم تظاهر می کنند. در سطح بین المللی نیز در واکنش به قدرتگیری یک جنبش اسلامگرای تروریست، بویژه از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ جنبش سکولاریستی اوج گرفته است. اوج گیری یک جنبش سکولار امری مثبت برای گسترش آزادیهای فردی، آزادی بیان و تحقق حقوق زن است. اما سکولاریسم را بشکل مجرد و در خلاء نباید دید. جنبش سکولار نوین از نظر گرایش و افق سیاسی به دو گرایش چپ و راست تقسیم می شود. این واقعیت مهمی است که باید بازشناخت و در تحلیل و موضع گیری سیاسی دخالت داد.

در سالهای اخیر مشاهده کرده ایم که یک جریان راست که عملاً در کنار راست ترین جریانات در غرب قرار می گیرد که در این میان طرفداران دولت مذهبی اسرائیل هم قرار گرفته اند، بطرفداری از جنبش سکولار و مخالف اسلام سیاسی و رژیم اسلامی برخاسته اند. سکولاریست هایی که در مقابله با جنبش اسلامگرای از جمله به عراق حمایت کردند، که در این میان چهره های سرشناس جنبش سکولار و آنتنیست هم وجود دارند. طی دهه اخیر ما شاهد یک روند سیاسی ارتجاعی بوده ایم. بخشی از مخالفین جنبش اسلامی در مقابله با این جنبش به حمایت از دولتهای غربی بسرکردگی آمریکا، یعنی تروریسم دولتی، بلند شده اند. از آنسوی بخشی که با سیاستهای غرب و آمریکا مخالفند به دفاع از جنبش تروریسم اسلامی و رژیم اسلامی در می غلطند. هر دوی این رویکردها ارتجاعی است.

ارتجاعی و زن ستیز حاکم است. این ایدئولوژی ضروری است، برای اینکه از نظامی که بر مبنای تبعیض، نابرابری، استثمار اقتصادی و عدم آزادی بنیان گذاشته شده است، دفاع کند. این نظام سرمایه داری است. اگر ما در دهه ۹۰ مجبور به بحث و توضیح این مقوله بودیم، امروز به اینکار نیازی نیست. زمانیکه سرمایه داری زندگی ما را ویران کرده است؛ موقعی که میلیون ها نفر بیکار اند و قادر به تامین غذا و سرپناه برای خانواده هایشان نیستند؛ زمانیکه جنبش ضد کاپیتالیستی جهانی شده است؛ در شرایطی که سرمایه داران دارند هر روز به هزینه کارگران و شهروندان عادی ثروتمند تر می شوند؛ آیا واقعا احتیاج است که در مورد این مساله مقوله پردازی کنیم و مباحث طولانی برای اثبات آن سازمان دهیم؟ فکر نمی کنم. همه می دانند که منبع نابرابری، تبعیض و فلاکت کنونی سرمایه داری است.

جوهر اصلی جنبش های توده ای در خاورمیانه و شمال آفریقا برای آزادی، برابری و رفاه همگانی ضد کاپیتالیستی است. به این دلیل است که زمانیکه دولتهای غربی نتوانست مردم را در مصر و تونس بخانه بازگرداند، با اتکا به ارتش در این کشورها بن علی را به تبعید فرستاد و از رفتن مبارک حمایت کرد، تا بتواند دستگاه دولتی را تا حد امکان دست نخورده نگاه دارد. و به همین دلیل در لیبی که قدرت چنین مانپولیسیون سیاسی را نداشت، بشکل نظامی در اوضاع دخالت کرد تا تضمین

صفحه 5

مزد برابر در ازاء کار مشابه برای زنان و مردان!

گیرد.

مردم منطقه دارند بسوی همان تله ای رانده می شوند که مردم ایران در سال ۱۳۵۷ رانده شدند. ما باید این روند را تشخیص دهیم و در مقابل آن بایستیم. باین خاطر ما نه تنها باید سکولاریست های خوبی باشیم، بلکه همچنین باید با حرارت از آزادی، برابری و عدالت دفاع کنیم. باید از نظر سیاسی کاملاً هشیار باشیم که از یک قطب در مقابل قطب دیگر دفاع نکنیم. ما باید موضعی محکم در مقابل هر دو قطب اتخاذ کنیم: تروریسم دولتی بسر کردگی آمریکا و تروریسم اسلامی. باید بصراحت از آزادی، برابری و رفاه همگانی دفاع کنیم. باید قاطعانه از آزادی و برابری زن دفاع کنیم.*

سکولاریسم و حقوق زن

آیا سکولاریسم کافی است؟ ...

قدرت بدست مردم، یا جریانات چپ و کمونیست با اسلامیت ها سازش کند. این دقیقاً اتفاقی است که در ایران در سال ۱۳۵۷ افتاد؛ زمانیکه دولت های غربی در هراس از قدرتگیری چپ، خمینی این آخوند مهجور را به پاریس آورد، از او یک "رهبر انقلاب" ساخت و بجان مردم ایران انداخت. اسلامیسم جدید، گفته می شود از نوع اسلام رژیم اسلامی نیست، اسلام "معتدل" است، نوع ترکی اسلامیسم است. بهر رو این اسلامیسم دارد در منطقه قدرت می

کند که پس از سقوط قذافی قدرت بدست مردم نیافتد. و در سوریه هم اگرچه نتوانسته دخالت مستقیم نظامی کند، با حمایت کامل مالی و نظامی از "ارتش آزاد سوریه" عملاً یک جنگ داخلی خونین را به مردم سوریه تحمیل کرده است و پروسه مبارزات مردم برای آزادی و برابری و رفاه را قیچی نمودند.

غرب تصمیم گرفته است که بمنظور ممانعت از گسترش جنبش اعتراضی به یک انقلاب کارگری، و جلوگیری از افتادن



آزادی زن

نشریه سازمان آزادی زن

www.azadizan.net

سردبیر: آذر ماجدی

majedi.azar@gmail.com

هیئت تحریریه:

آذر ماجدی، مریم کوشا، سیاوش دانشور

برابری کامل حقوق و موقعیت قانونی زن و مرد در خانواده. لغو امتیازات مرد بعنوان "سرپرست خانواده" و برقراری حقوق و وظایف برابر برای زن و مرد در رابطه با سرپرستی و تربیت فرزندان، اعمال کنترل و مدیریت دارایی ها و امور مالی خانواده، وراثت، انتخاب محل زندگی و سکونت، کارخانگی و اشتغال حرفه ای، طلاق، سرپرستی کودکان در صورت جدایی و تقسیم و تملک اموال خانواده. ممنوعیت تعدد زوجات. ممنوعیت صیغه. لغو کلیه تعهدات انقیادآور زن به شوهر در شرع و سنن کهنه. ممنوعیت برقراری رابطه جنسی توسط شوهر با زن بدون تمایل او و ولو بدون اعمال خشونت. اینگونه موارد باید در صورت شکایت زن بعنوان تجاوز جنسی توسط شوهر مورد پیگرد و محاکمه قرار بگیرند. ممنوعیت تحمیل کارخانگی و یا وظایف ویژه خانه دارانه به زن در خانواده. اعمال مجازات سنگین برای هر نوع آزار، ارباب، سلب آزادی، تحقیر و خشونت علیه زنان و دختران در خانواده.

اسلام ضد زن است!

شرایط کنونی، ورود زنان به فعالیت اقتصادی و سیاسی و فرهنگی در خارج خانواده را تسهیل میکند.

5- لغو کلیه قوانین و مقررات و راه و رسم های دست و پاگیر و عقب مانده اخلاقی، فرهنگی و ناموسی که نافی استقلال و اراده مستقل زن و شخصیت او بعنوان یک شهروند متساوی الحقوق در جامعه است. لغو هر نوع محدودیت بر حق سفر و نقل مکان زنان، اعم از مجرد و متأهل، در داخل و خارج کشور، به میل و اراده خود. لغو کلیه قوانین و مقرراتی که آزادی زنان در انتخاب لباس و پوشش، انتخاب شغل و معاشرت را مقید و محدود میکند. ممنوعیت هر نوع جداسازی زنان و مردان در موسسات و مجامع و اجتماعات و معابر و وسائل نقلیه عمومی. آموزش و پرورش مختلط در تمام سطوح. ممنوعیت استفاده از عناوینی نظیر دوشیزه، بانو، خواهر و هر لقبی که زن را به اعتبار موقعیتش در قبال مرد تعریف میکند، در مکاتبات و مکالمات رسمی توسط مقامات و نهادها و بنگاه های دولتی و خصوصی. ممنوعیت هر نوع دخالت از جانب هر مرجعی اعم از بستگان و اطرافیان یا نهادها و مراجع رسمی در زندگی خصوصی و روابط شخصی و عاطفی و جنسی زنان. ممنوعیت هر نوع برخورد تحقیرآمیز، مردسالارانه، پدرسالارانه و نابرابر با زنان در نهادها و موسسات اجتماعی. ممنوعیت قید جنسیت در آگهی های شغلی. حذف کلیه اشارات تبعیض آمیز و تحقیر آمیز نسبت به زنان از کتب و منابع درسی و متقابلاً گنجاندن مواد درسی لازم برای تفهیم برابری زن و مرد و نقد اشکال مختلف ستمکشی زن در جامعه. ایجاد نهادهای بازرسی، تشخیص جرم و واحدهای انتظامی ویژه برخورد به موارد آزار و تبعیض نسبت به زنان.

6- تلاش فشرده و مستقیم نهادهای ذیربط دولتی برای مبارزه با فرهنگ مردسالارانه و ضد زن در جامعه. تشویق و تقویت نهادهای غیر دولتی معطوف به کسب و تثبیت برابری زن و مرد.

برابری زن و مرد،

ممنوعیت تبعیض بر حسب جنسیت

از برنامه یک دنیای بهتر

4- برابری کامل زن و مرد در قلمرو اقتصادی و اشتغال حرفه ای. شمول یکسان قوانین کار و بیمه های اجتماعی بر زن و مرد بدون هیچ نوع تبعیض. مزد برابر در ازاء کار مشابه برای زنان و مردان. لغو هر نوع محدودیت بر تصدی مشاغل و حرفه های مختلف توسط زنان. برابری کامل زن و مرد در کلیه امور مربوط به دستمزد، بیمه ها، مرخصی ها، ساعات و شیفت کار، تقسیم کار و طبقه بندی مشاغل، ارتقاء شغلی، نمایندگی کارگران در سطوح مختلف. تصویب و اجرای مقررات و موازین ویژه در بنگاه ها برای تضمین ادامه کاری حرفه ای و شغلی زنان، نظیر ممنوعیت اخراج زنان باردار، ممنوعیت سپردن کار سنگین به زنان باردار و وجود تسهیلات ویژه مورد نیاز زنان در محل کار. ۱۶ هفته مرخصی دوران بارداری و زایمان و یکسال مرخصی برای نگهداری نوزاد که باید با توافق طرفین توسط زن و شوهر هر دو مورد استفاده قرار بگیرد. تشکیل هیات های بازرسی و کنترل، با وظیفه نظارت بر اجرای تعهدات فوق توسط بنگاه ها.

تشکیل مراجع تشخیص و حکمیت در مورد برابری حقوق زن و مرد در اشتغال حرفه ای و محیط های کار اعم از دولتی و غیر دولتی و انتفاعی و غیر انتفاعی. تعقیب قانونی و مجازات سنگین بنگاه ها و مدیرانی که از اصل برابری مطلق زن و مرد در فعالیت حرفه ای تخطی کنند.

ایجاد موسسات و نهادها و فراهم کردن رایگان تسهیلاتی نظیر شیرخوارگاه ها و مهد کودک ها و کلوب های تفریحی - تربیتی کودکان در سطح محلی که، با توجه به فشار یکجانبه کار خانگی و نگهداری از فرزندان بر زنان در

رئوس قوانین و اقداماتی که باید هم اکنون بفوریت برای شروع رفع تبعیض بر زنان به اجرا درآید عبارت است از:

1- اعلام برابری کامل و بی قید و شرط زن و مرد در حقوق مدنی و فردی و لغو فوری کلیه قوانین و مقرراتی که ناقض این اصل است.

2- تامین فوری برابری کامل زن و مرد در شرکت در حیات سیاسی جامعه در سطوح مختلف. حق بی قید و شرط زنان به شرکت در انتخابات در کلیه سطوح و احراز و تصدی هر پست و مقام، اعم از سیاسی، اداری، قضایی، و غیره. لغو هر قانون و مقرراتی که حق زنان در شرکت برابر در حیات سیاسی و اداری جامعه را محدود میکند.

3- برابری کامل حقوق و موقعیت قانونی زن و مرد در خانواده. لغو امتیازات مرد بعنوان "سرپرست خانواده" و برقراری حقوق و وظایف برابر برای زن و مرد در رابطه با سرپرستی و تربیت فرزندان، اعمال کنترل و مدیریت دارایی ها و امور مالی خانواده، وراثت، انتخاب محل زندگی و سکونت، کارخانگی و اشتغال حرفه ای، طلاق، سرپرستی کودکان در صورت جدایی و تقسیم و تملک اموال خانواده. ممنوعیت تعدد زوجات. ممنوعیت صیغه لغو کلیه تعهدات انقیادآور زن به شوهر در شرع و سنن کهنه. ممنوعیت برقراری رابطه جنسی توسط شوهر با زن بدون تمایل او ولو بدون اعمال خشونت. اینگونه موارد باید در صورت شکایت زن بعنوان تجاوز جنسی توسط شوهر مورد پیگرد و محاکمه قرار بگیرند. ممنوعیت تحمیل کارخانگی و یا وظایف ویژه خانه دارانه به زن در خانواده. اعمال مجازات سنگین برای هر نوع آزار، ارباب، سلب آزادی، تحقیر و خشونت علیه زنان و دختران در خانواده.

تبعیض بر اساس جنسیت یک منشا سود سرمایه است!



فاجعه پشت فاجعه

از بنگلادش تا کامبوج

نوشین قادری

ماه گذشته سه حادثه در بنگلادش، دو آتش سوزی در پاکستان، یک واقعه مسمومیت شدید کارگران در کامبوج در رسانه ها منعکس شده است.

این بار قرعه بنام کدام کشور و کدام کارگران محروم می افتد؟ قرار است در کدام کشور مخروبه های محل تولید سود دچار حریق شوند یا روی سر کارگران و زحمتکشان فرود آیند؟

قرار است چند انسان دیگر در زیر آوار جان خود را از دست بدهند، مجروح و معلول شوند؟ چند خانواده دیگر باید بی سرپرست و بی سرپناه شوند؟ سازمان آزادی زن برای حمایت از کارگران صنعت پوشاک و خاتمه دادن به این شرایط وحشیانه کمپینی اعلام کرده است و همه سازمان ها، افراد پیشرو، انساندوست و آزادیخواه

با شنیدن نام بنگلادش یاد فجع ترین کشتار کارگران پوشاک می افتیم که در مخروبه ای به نام کارگاه و با دستمزدی ناچیز به زیر یوغ سرمایه داری تنشان خمیده شده است. سه هفته پیش در داکا پایتخت بنگلادش ساختمانی که چند کارگاه تولید لباس برای شرکت های مُد چند ملیتی را در خود جا داده بود، روی سر کارگران فرو ریخت. بیش از هزار و صد نفر در این حادثه کشته شدند. عدم رعایت موارد ایمنی و شرایط سخت و نا امن کار باعث مرگ و بیماری بسیاری از کارگران میشود. بخش اعظم این کارگران زنان و دختران جوان و کودکانی هستند که برای تأمین معیشت خود و خانواده هایشان مجبور به تن دادن به این شرایط برده وار هستند.

این دسته از کارگران از بی حقوق ترین بخش کارگرانند. کارگران ارزان و خاموش. اینجاست که فواید زن ستیزی و تبعیض بر حسب جنسیت برای سرمایه داری و سرمایه داران برملا می شود. میلیونها کارگر محروم در بنگلادش، پاکستان، هند، چین، کامبوج، ویتنام و غیره تحت سخت ترین شرایط، با دستمزدهای بخور و نمیر و ساعات کار طولانی وحشیانه استثمار می شوند.

سه هفته پس از فاجعه بنگلادش، حادثه مشابهی در کامبوج رخ داد. سقف یک کارگاه تولید کفش برای یک شرکت چند ملیتی بر سر کارگران فرو ریخت و سه کارگر را به کام مرگ کشید.

این حادثه در زمانی رخ داد که هنوز امدادگران در پایتخت بنگلادش پیکر جانباختگان کارگاه تولیدی لباسهای مارک های مشهور را از زیر آوار بیرون می کشند. در هر سال چندین حادثه این چنینی در گوشه و کنار جهان رخ می دهد. در شش

را به حمایت از آن و پیوستن به این کمپین فرا می خواند. کمپین ما بر ایمنی محیط کار، تأمین یک حداقل دستمزد مناسب و شایسته، حق سازماندهی و تشکل، روز کار کوتاه تر و تحت فشار گذاشتن شرکتهای چند ملیتی برای رعایت این شرایط متمرکز خواهد بود. سازمان آزادی زن با اعلام این کمپین در روز اول ماه مه، فراخوان به یک دقیقه سکوت بیاد این انسانهای قربانی سرمایه داری، اول ماه مه ۲۰۱۳ را روز دفاع از کارگران صنعت پوشاک نامید. بیایید همه ما به صفوف این کمپین بپیوندیم و به این شرایط وحشیانه و اسف بار پایان دهیم.*

تلویزیون آزادی زن

هر یکشنبه ساعت 17.30 بوقت
تهران از شبکه هات برد

مگاهرتز: 11642 سیمبل ریت: 27500

کانال: KMTV

به دوستانتان اطلاع دهید!

تقابل با اسلام سیاسی یک جبهه مهم جنبش آزادی زن است!



مریم افراسیاب پور

مضحکه انتخاباتی را بر سرشان خراب کنیم!

اسلامی فقط و فقط با سلاح سرکوب می تواند در مقابل نفرت و خشم مردم مقاومت کند. از آنسوی کشمکش با دولتهای غرب به بهانه هسته ای نیز بعنوان تهدیدی بالای سر جامعه گرفته شده است.

بساط انتخاباتی بستر جدال مجدد جناحهای رژیم برای نجات جمهوری اسلامی است. بساط تبلیغات مسخره جناحهای مختلف برای فضا سازی و کشاندن مردم پای صندوقهای رای در این راستا است. همین واقعیت را باید مستدل کرد. در مقابل هر نوع توهم پراکنی احتمالی به این یا آن جناح و کاندید باید سد محکم سیاسی و عملی ایجاد کرد. باید در مقابل این مضحکه ایستاد. نباید به رژیم اجازه داد که این مضحکه را بی درد سر از سر بگذراند. باید ستادهای انتخاباتی را روی سر بر پادارندگانش خراب کرد! باید نمایش اراجیف گویی کاندیدها را به جلسه محاکمه سران نظام بدل کرد. باید نشان داد که مردم ایران در نمایش بی حرمت کردن خود، پایمال کردن حق و حقوق خویش توسط یک مشت

در جایی که زنها نصف مردان محسوب میشوند، مخالفت فعال با آنچه انتخاباتش می خوانند تنها گزینه ای است که می تواند کار ساز باشد. این انتخابات نیست، مضحکه انتخاباتی است. "انتخابات ریاست جمهوری اسلامی" وارد مرحله پایانی خود می شود. کاندیداها ثبت نام کرده اند و یک ماه به برگزاری این مضحکه مانده است. گذاشتن نام انتخابات بر پروسه ای که ۹۹/۹٪ مردم از حق کاندید شدن محروم هستند؛ در جامعه ای که انسان را "بجرم" آزادیخواهی، اعتراض به اختناق و فقر، تلاش برای کسب حق و عدالت در زندان اسیر و شکنجه می کنند؛ در جامعه ای که یک مشت فسیل از گور برخاسته قاتل حکم می رانند، نام انتخابات بر چنین مضحکه گذاشتن توهین به شعور مردم است.

رژیم اسلامی با تعمیق روزمره بحرانها و معضلات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی دست به گریبان است. نفرت مردم از رژیم اسلامی هر روز بیشتر و گسترده تر می شود. فقر و فلاکت ابعادی باور نکردنی یافته است؛ سرکوب هر حق مردم، سرکوب دائمی زنان، تحمیل آپارتاید جنسی و حجاب صبر مردم را طاق کرده است؛ رژیم

جانی حرفه ای شرکت نمی کنند. کمپین انتخاباتی این نظام قتل و سرکوب خود خاک پاشیدن به چشم مردم است.

جنبش آزادی زن باید علیه این مضحکه بمیدان بیاید. این نظام زن ستیز، این رژیم حجاب اسلامی و آپارتاید جنسی را باید به زیر کشید. یک مشت دزد و قاتل و شاید بیش از سی سال است که یک جنگ تمام عیار علیه زنان و هر حق پایه ای آنها برآه انداخته اند. اما جنبش آزادی زن نه تنها تسلیم نشده، بلکه با صلابت و شجاعت در مقابل این فسیل های قرون وسطایی ایستاده است.

این مضحکه را باید بر سر شان خراب کرد. پاسخ زنان آزادیخواه، پاسخ جنبش آزادی زن به این نظام سرنگونی است.*

حقوق زن و اسلام سیاسی

به زبان انگلیسی برای دومین بار منتشر شد!

برای دریافت کتاب یا کتابهای مورد نیاز معادل 150 کرون سوند، 15 یورو یا 20 دلار آمریکا "برای هر کتاب" به حساب زیر واریز نموده و مراتب را با پست الکترونیکی به ما اطلاع دهید. ما کتاب یا کتابهای درخواستی را در هر جای دنیا که باشید برایتان پست خواهیم کرد.

اگر پول از سوند ارسال شود:

نام بانک در سوند: PlusGiro شماره حساب در سوند: 442066-7

اگر پول از کشورهای دیگر ارسال شود:

نام یا BIC بانک: NDEASESS شماره حساب به فرم IBAN: SE55 9500 0099 6018 0442 0667

آدرس الکترونیکی: w/shahla.n@gmail.com

زنده باد آزادی زن!